





دانشگاه تربیت معلم

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته روابط بین الملل

عنوان:

دیپلماسی عمومی سایبر در سیاست خارجی ایالات متحده

استاد راهنما:

دکتر ارسلان قربانی

استاد مشاور:

دکتر رضا سیمبر

دانشجو:

محمد امین خرمی

دی ماه ۱۳۸۹

چکیده

دیپلماسی را مدیریت روابط بین الملل بوسیله مذاکره می دانند. در این سطح، دیپلماسی به روابط دولت-دولت اطلاق می شود. دیپلماسی در طول تاریخ سیاسی جهان، متأثر از تحولات ایجاد شده در ساختارهای جهانی بوده است. در روند این تحولات، دیپلماسی پنهان در عرصه سیاست بین الملل جایی هم به دیپلماسی باز داد. تغییر نظام بین المللی، پیدایش بازیگران جدید بین المللی، اهمیت یافتن افکار عمومی و تاثیرگذاری آنها در تصمیم سازی در عرصه سیاست خارجی کشورها و از همه مهم تر ناکارآمدی دیپلماسی کلاسیک در برابر چالش های جدید، باعث تحول در دیپلماسی و آغاز دوره دیپلماسی نوین شد. دیپلماسی نوین در بستر جامعه مدنی جهانی متشکل از دهکده های کوچک، دیپلماسی عمومی نام گرفت. در این سطح، دیپلماسی عمومی به روابط بین دولت یک کشور با مردم کشورهای دیگر اطلاق می شود. ایجاد جامعه مدنی جهانی خود مرهون پیشرفت ناشی از انقلاب اطلاعاتی و ارتباطاتی بوده است؛ انقلابی که ابزارهایی جدید در اختیار قرار می دهد. دیپلماسی عمومی آنگاه که برای پیشبرد سیاست های خود از این ابزارها استفاده می کند، «دیپلماسی عمومی سایبر» نامیده می شود. در سیاست خارجی ایالات متحده اولین نشانه های دیپلماسی عمومی را در جنگ جهانی اول می توان دید. اولین نشانه های دیپلماسی عمومی سایبر نیز به جنگ جهانی دوم باز می گردد. پس از آن استفاده از ابزارهای موجود در این حوزه از دیپلماسی عمومی بود که باعث پیروزی امریکا در جنگ سرد و فروپاشی شوروی شد. در اثر موفقیت های بدست آمده، دیپلماسی عمومی سایبر به دستور کار کلیدی در سیاست خارجی ایالات متحده بدل شد.

این پژوهش ضمن نگاه به تعاریف و مفاهیم اساسی در دیپلماسی، دیپلماسی عمومی و دیپلماسی عمومی سایبر به جایگاه تاریخی آنها در سیاست خارجی ایالات متحده طی نیمه دوم قرن بیستم و دهه اخیر می پردازد و با بررسی جزئیات مربوط به سازوکار دیپلماسی عمومی و دیپلماسی عمومی سایبر در سیاست خارجی این کشور، جایگاه نهادی آن را نیز مورد کندوکاو قرار می دهد.

واژگان کلیدی: پخش بین المللی، دیپلماسی، دیپلماسی عمومی، دیپلماسی عمومی سایبر، سیاست خارجی ایالات متحده، قدرت نرم.

مقدمه ۱

فصل اول

مفاهیم دیپلماسی، دیپلماسی عمومی و دیپلماسی عمومی سایر ۹

۱. دیپلماسی سنتی (کلاسیک) ۱۰
۲. دیپلماسی عمومی ۱۲
- ۱-۲. دیپلماسی عمومی پیش از گالین ۱۴
۳. درک دیپلماسی عمومی و دیپلماسی سنتی ۱۷
۴. دلایل تغییر از دیپلماسی سنتی به دیپلماسی عمومی ۱۸
۵. دیپلماسی عمومی از منظر نظریه های روابط بین الملل ۲۰
- ۱-۵. قدرت نرم چیست؟ ۲۳
- ۲-۵. ارتباط بین قدرت نرم و دیپلماسی عمومی ۲۵
۶. فضای اطلاعاتی جدید و دیپلماسی عمومی سایر ۲۶
- ۱-۶. انقلاب اطلاعاتی ۲۶
- ۲-۶. نووپلتیک ۲۸
- ۱-۲-۶. فضای سایر ۲۹
- ۲-۲-۶. فضای اطلاعاتی ۳۰
- ۳-۲-۶. نووسفیر ۳۰
- ۴-۲-۶. ظهور نووپلتیک ۳۲
- ۵-۲-۶. روابط متقابل بین ریلپلتیک و نووپلتیک ۳۳
- ۶-۲-۶. پیشرفت نووپلتیک ۳۳
- ۳-۶. نتپلتیک ۳۵
- ۴-۶. سایرپلتیک ۳۸
- ۱-۴-۶. مدل کوانتوم ۳۹
- ۵-۶. اینفوپلتیک ۴۰
- ۶-۶. مدیاپلتیک ۴۱
- ۷-۶. دیپلماسی عمومی سایر ۴۵
- ۱-۷-۶. دیپلماسی عمومی سایر و نیروهای نظامی ۴۷

فصل دوم

جایگاه دیپلماسی عمومی و دیپلماسی عمومی سایر در سیاست خارجی ایالات متحده ۵۰

۱. جنگ های جهانی اول و دوم ۵۱
۲. پایان جنگ جهانی دوم تا پایان جنگ سرد ۵۴
- ۱-۲. اروپای غربی هدف دیپلماسی عمومی جنگ سرد ۵۸
- ۲-۲. دیپلماسی عمومی در منطقه کارائیب و امریکای لاتین ۵۸

۳. دیپلماسی عمومی از پایان جنگ سرد تا به امروز ۵۹

فصل سوم

سازوکار دیپلماسی عمومی و دیپلماسی عمومی سایر در سیاست خارجی ایالات متحده ۶۵

۱. دسته بندی فعالیت های دیپلماسی عمومی ایالات متحده ۶۶

۱-۱. برنامه های اطلاع رسانی بین المللی ۶۶

۱-۲. امور آموزشی و فرهنگی ۶۶

۱-۳. پخش بین المللی ۶۷

۲. قانونگذاری در زمینه دیپلماسی عمومی ۶۷

۱-۲. قانون ۱۹۵۶ صلاحیت اولیه وزارت امور خارجه ۶۷

۲-۲. قانون ۱۹۴۸ تبادلات آموزشی و اطلاعاتی ایالات متحده ۶۸

۲-۳. قانون ۱۹۶۱ تبادلات متقابل آموزشی و فرهنگی ۶۹

۲-۴. قانون ۱۹۹۴ پخش بین المللی ایالات متحده ۷۰

۳. حرکت به سمت دیپلماسی عمومی دائمی ۷۱

۴. آژانس اطلاع رسانی ایالات متحده ۷۲

۴-۱. سازوکار آژانس اطلاع رسانی ایالات متحده ۷۲

۴-۱-۱. اداره اطلاع رسانی ۷۳

۴-۱-۲. اداره امور آموزشی و فرهنگی ۷۴

۴-۱-۳. اداره مدیریت ۷۴

۴-۱-۴. پخش بین المللی ایالات متحده ۷۵

۴-۱-۵. سازوکار آژانس اطلاع رسانی ایالات متحده در خارج از مرزهای این کشور ۷۵

۴-۲. بودجه و تعداد کارکنان آژانس اطلاع رسانی ایالات متحده ۷۶

۴-۳. انحلال آژانس اطلاع رسانی و انتقال وظایف مربوط به دیپلماسی عمومی به وزارت امور خارجه ۷۷

۴-۳-۱. انتقال وظایف آژانس اطلاع رسانی به وزارت امور خارجه ۷۹

۴-۳-۲. استقلال هیئت رئیسه پخش (BBG) ۷۹

۵. وزارت امور خارجه ایالات متحده ۸۰

۵-۱. سازوکار دیپلماسی عمومی در وزارت امور خارجه ایالات متحده ۸۰

۵-۱-۱. اداره امور آموزشی و فرهنگی ۸۱

۵-۱-۲. اداره برنامه های اطلاع رسانی بین المللی ۸۲

۵-۱-۳. اداره امور عمومی ۸۳

۵-۱-۴. دفتر سیاست گذاری، برنامه ریزی و منابع ۸۳

۵-۱-۵. دفتر ارتباط با بخش خصوصی ۸۳

۵-۱-۶. سازوکار دیپلماسی عمومی وزارت امور خارجه ایالات متحده در خارج از مرزهای این کشور ۸۴

۵-۲. بودجه و تعداد کارکنان حوزه دیپلماسی عمومی در وزارت امور خارجه ۸۴

۵-۳. پلتفرم های وزارت امور خارجه در زمینه دیپلماسی عمومی و دیپلماسی عمومی سایر ۸۵

۵-۳-۱. پایگاه های حضور امریکا (APP) ۸۵

۵-۳-۲. مراکز امریکا ۸۶

۵-۳-۳. مراکز بین دولتی (BNC) ۸۷

۵-۳-۴. میز امریکا ۸۷

- ۵-۳-۵. پایگاه های حضور مجازی (VPP) ۸۸
- ۶-۳-۵. رسانه های اجتماعی ۸۹
۶. تفاوت بین آژانس اطلاع رسانی و وزارت امور خارجه ۹۰
- ۶-۱. صلاحیت ۹۰
- ۶-۲. تامین مالی ۹۰
۷. هیئت رئیسه پخش (BBG) ۹۰
- ۷-۱. خاستگاه ماموریت هیئت رئیسه پخش ۹۳
- ۷-۱-۱. قانون ۱۹۹۴ پخش بین المللی ایالات متحده ۹۳
- ۷-۱-۲. استراتژی ۲۰۰۶ امنیت ملی ایالات متحده ۹۳
- ۷-۲. ماموریت تعیین شده برای هیئت رئیسه پخش ۹۴
- ۷-۳. استراتژی های اجرایی ۲۰۰۸-۲۰۱۳ هیئت رئیسه پخش ۹۵
- ۷-۴. سازوکار هیئت رئیسه پخش ۹۷
- ۷-۵. کلیات بودجه هیئت رئیسه پخش ۱۰۰
- ۷-۶. پرسنل هیئت رئیسه پخش ۱۰۱
- ۷-۷. جزئیات ساختار سازمانی هیئت رئیسه پخش و سازمان های زیرمجموعه ۱۰۳
- ۷-۷-۱. ستاد مدیریت سازمانی هیئت رئیسه پخش (BBG) ۱۰۳
- ۷-۷-۲. صدای امریکا (VOA) ۱۰۵
- ۷-۷-۳. دفتر پخش کوبا (OCB) ۱۰۷
- ۷-۷-۴. دفتر خدمات فنی و مهندسی اداره پخش بین المللی ۱۰۸
- ۷-۷-۵. اداره پخش بین المللی (IBB) ۱۱۰
- ۷-۷-۶. رادیو اروپای آزاد/رادیو آزادی ۱۱۲
- ۷-۷-۷. رادیو آسیای آزاد ۱۱۵
- ۷-۷-۸. شبکه پخش خاورمیانه (MBN) ۱۱۶
- ۷-۷-۹. بهینه سازی پخش (BCI) ۱۱۹
۸. وزارت دفاع ایالات متحده (پنتاگون) ۱۲۰
- ۸-۱. فعالیت های وزارت دفاع در قالب ارتباطات استراتژیک ۱۲۱
۹. آژانس توسعه بین المللی ایالات متحده (USAID) ۱۲۲
۱۰. کاخ سفید ۱۲۳

فصل چهارم

- نتیجه گیری ۱۲۶

مقدمه:

دیپلماسی معمولاً به عنوان هنر برقراری رابطه بین کشورها تعریف می شود که از تعریف کلاسیک سر هارولد نیکولسون^۱ گرفته شده است: «مدیریت روابط بین الملل بوسیله مذاکره.^۲» رسالت بنیادین دیپلماسی، مدیریت بر روابط میان کشورها و بین کشورها و سایر بازیگران بین المللی بوده است. از منظر حکومت ها، دیپلماسی شکل دادن و اجرای سیاست خارجی است. در این راستا دیپلماسی وسیله ای است که به واسطه آن، کشورها از طریق نمایندگی های رسمی و غیر رسمی و همچنین سایر بازیگران به مدیریت و صیانت از منافع خود می پردازند. نکته ای که در ارتباط بین دیپلماسی و سیاست جهانی وجود دارد آن است که هرگاه ساختارهای جهانی دستخوش تغییر و تحول شده است، در نتیجه دیپلماسی نیز متحول شده است. کنگره وستفالی ۱۶۴۸، کنگره وین ۱۸۱۵، جنگ های جهانی و جنگ سرد نقاطی از تاریخ سیاست بین الملل هستند که هم تغییر دهنده نظم حاکم بر جهان بوده اند و هم در چگونگی اجرای دیپلماسی مؤثر افتاده اند.

زمانی دیپلماسی تنها به دولت ها و آن هم به «دیپلماسی پنهان» محدود می شد، اما رفته رفته با تغییرات بوجود آمده در صحنه سیاست بین الملل «دیپلماسی باز» نیز جای خود را یافت. در سال های بعد از جنگ جهانی اول، دگرگونی نظام بین الملل، رقابت قدرت های بزرگ، تشکیل سازمان های بین المللی، پیشرفت های تکنولوژیک و مداخله افکار عمومی در سیاست خارجی باعث تحول در دیپلماسی و آغاز دوره «دیپلماسی نوین» شد. در این دوره و به خصوص پس از پایان جنگ سرد در دهه ۱۹۹۰، کم رنگ شدن حاکمیت دولت ها، پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات، رشد بازیگران غیر دولتی و آگاهی فزاینده مردم در سطح جهانی از اصلی ترین عواملی هستند که در تحول دیپلماسی نقش داشته اند. دیپلماسی نوین همچنان در بستر جامعه مدنی جهانی در حال شکل گیری است که در آن سازمان های غیر دولتی، گروه های فشار، انجمن های تخصصی و حتی مردم عادی خواستار نقش آفرینی بیشتر در مسائل بین المللی هستند. امروزه بحران ها و چالش های فراوی جامعه جهانی آن قدر پیچیده و در هم تنیده است که دولت-ملت ها و دیپلماسی سنتی و روش های موجود در آن نمی توانند با آن ها مقابله کنند.

«دیپلماسی عمومی»، دیپلماسی نوین در بستر جامعه مدنی جهانی رشد یافته است. در سال ۱۹۶۵ ادموند گالین^۳، رئیس دانشکده حقوق و دیپلماسی فلچر در دانشگاه تافتز^۴ در زمان راه اندازی مرکز ادوارد مورو برای دیپلماسی عمومی^۵، اولین کسی بود که اصطلاح دیپلماسی عمومی را به شکل مدرن آن مورد استفاده قرار داد. در یکی از اولین بروشورهایی که این مرکز منتشر کرد، آمده است:

^۱ Sir Harold Nicolson

^۲ Sir Harold Nicolson, *Diplomacy*, Washington D.C.: Institute for the Study of Diplomacy, Georgetown University School of Foreign Service, 1988, p. 4.

^۳ Edmund Gullion

^۴ Tufts University Fletcher School of Law and Diplomacy

^۵ Edward R. Murrow Center of Public Diplomacy

«دیپلماسی عمومی مربوط به تاثیر نگرش عمومی بر شکل گیری و اجرای سیاست های خارجی است. دیپلماسی عمومی شامل ابعادی از روابط بین الملل است که فرای دیپلماسی سنتی قرار می گیرد؛ دیپلماسی عمومی همچنین پرورش افکار عمومی در کشور دیگر توسط دولت یک کشور است و تعامل بین گروه های نفوذ در یک کشور با گروه های نفوذ در کشوری دیگر را در بر می گیرد؛ دیپلماسی عمومی ارتباط بین آن هایی است که مسئولیت شان برقراری ارتباط است، مانند دیپلمات ها و خبرنگاران؛ دیپلماسی عمومی همچنین در این رابطه ارتباطات بین فرهنگی را نیز شامل می شود.»

همان طور که اشاره شد، دیپلماسی عمومی در بستر جامعه مدنی جهانی قرار می گیرد. این جامعه مدنی جهانی خود به نحوی مرهون پیشرفت فناوری ارتباطات و اطلاعات است که به نزدیکی گروه های مردمی و جوامع کمک بسیاری کرده است. دیپلماسی عمومی فراتر از دولت ها رفته و با مردم یک کشور ارتباط برقرار می کند. اکنون این ارتباط به جهت وجود فضای سایبر، تسریع و تسهیل یافته و در عین حال ارزان تر و همه گیر تر شده است.

ایوان پاتر^۱ در ابتدای کتاب *دیپلماسی سایبر*^۲، جمله ای از بری فولتون^۳ نقل می کند: «اگرچه دهکده جهانی^۴ مارشال مک لوهان^۵ به طور کامل جایگزین دولت-ملت ها نشده است، اما دهکده های دنیای امروز آن قدر با هم مرتبط شده اند که دیگر جهان وستفالیایی که خود آغازگر دیپلماسی مدرن بود، کم تر و کم تر قابل تشخیص است.» اما خود پاتر، این اعتقاد فولتون را رد می کند و می گوید که با از بین رفتن جهان وستفالیایی مخالف است و تنها به تغییر ماهیت دیپلماسی معتقد است.

لی ادواردز^۶ دیدگاه دیگری دارد؛ او در کتاب *مدیاپلیتیک*^۷ اشاره می کند که جهان آن گونه که مارشال مک لوهان پیش بینی می کرد، به «دهکده ای جهانی» تبدیل نشده که در آن رسانه ها پرورش دهنده «آگاهی مشترک^۸» باشند، بلکه به یک «مدیا پلیس^۹» تبدیل شده است - یک شهر بزرگ و پراکنده جهانی با محله های بسیار زیاد و متنوع، ثروتمند، فقیر، متوسط، امن، خطرناک، زیبا و زشت که در آن ها رسانه ها اغلب تصاویری متضاد از جامعه ارائه می دهند.

ارتباطات جمعی جهانی و پیشرفت در تکنولوژی های ارتباطی و اطلاعاتی^{۱۰}، پیشبرد روابط بین الملل سنتی را با چالش های بسیار روبرو کرده است. ما اکنون در میانه یک انقلاب اطلاعاتی به سر می بریم که در آن ارتباطات غیر قابل کنترل الکترونیک به ابزارهای اصلی ارتباطی تبدیل شده اند.

¹ Evan H. Potter

² *Cyber-Diplomacy: Managing Foreign Policy in the Twenty-First Century*

³ Barry Fulton

⁴ Global village

⁵ Marshal McLuhan

⁶ Lee Edwards

⁷ *Mediapolitik: How the Mass Media Have Transformed World Politics*

⁸ Common consciousness

⁹ mediapolis

¹⁰ ICT

همان طور که گزارش سال ۱۹۹۸ فولتون برای مرکز مطالعات استراتژیک و بین الملل^۱ در توصیف شرایط جدید پیش روی مطرح می کند، در دنیای جدید سلسله مراتب جای خود را به شبکه داده است، شفافیت پنهان کاری را کنار زده است و ایده و سرمایه به سرعت و بدون هیچ مانعی در حال حرکت در میان شبکه ای جهانی از دولت ها، شرکت های چندملیتی و سازمان های غیر دولتی است.^۲

در چنین شرایطی با ناکارآمدی دیپلماسی سنتی، دیپلماسی عمومی به یکی از مهم ترین ابزارهای مقابله با چالش های جهانی بعد از جنگ سرد تبدیل شد. از میان ابزارهای مورد استفاده در دیپلماسی عمومی، پخش بین المللی - رادیو، تلویزیون و رسانه های جدید - بیشترین تاثیر را از تکنولوژی های جدید پذیرفتند. از دهه ۱۹۹۰ رسانه های ارتباطی متحول شدند؛ انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی باعث تغییر ویژگی های رسانه های سنتی شامل رادیو و تلویزیون، و ایجاد و گسترش رسانه های جدید مانند تلفن همراه و اینترنت شد. اکنون تکنولوژی های ارتباطی جدید به طور گسترده به جزئی از ابزارهای مورد استفاده در زندگی روزمره مردم تبدیل شده اند. طبق آخرین آمار ارائه شده مربوط به ماه جولای ۲۰۱۰، از جمعیت تقریبی ۶ میلیارد و ۸۴۶ میلیونی جهان، حدود ۱ میلیارد و ۹۶۷ میلیون نفر از اینترنت استفاده می کنند. این میزان کاربر اینترنت برابر با ۲۸/۷ درصد جمعیت جهان است. جالب این که طی ۱۰ سال گذشته تعداد کاربران اینترنت ۴۴۵ درصد افزایش داشته است.^۳

این آمار خود نشان دهنده اهمیت استفاده از ابزارهای ارتباطی جدید در راستای پیشبرد دیپلماسی عمومی است. دیپلماسی عمومی آنگاه که برای پیشبرد سیاست های خود از ابزارهای جدید در تکنولوژی های ارتباطی استفاده می کند، «دیپلماسی عمومی سایبر»^۴ نامیده می شود.

کمتر از ۱۰۰ سال پیش، اندکی بعد از انقلاب ۱۹۱۷، روس ها آغازگر پخش برنامه های رادیویی بین المللی بودند. بر اساس ایده ولادیمیر لنین^۵ وقوع انقلاب روسیه و سپس تشکیل و گسترش شوروی از این طریق اطلاع رسانی شد.^۶ رفته رفته دیگر کشورها نیز وارد عرصه پخش برنامه های رادیویی در سطح بین المللی شدند. در سال ۱۹۲۷ طبق یک منشور سلطنتی، بنگاه پخش بریتانیا (بی بی سی)^۷ تاسیس شد. در ایالات متحده اولین نشانه هایی که می توان آن ها را بخشی از دیپلماسی عمومی دانست، به جنگ جهانی اول باز می گردد. ویلسون احساس کرد برای پیوستن امریکا به جنگ به حمایت های مردمی نیاز دارد، بنابراین از جورج کریل^۸ خواست کمیته اطلاع

¹ Center for Strategic and International Studies (CSIS)

² Barry Fulton, *Reinventing Diplomacy in the Information Age*, Washington, D.C.: Center for Strategic and International Studies, 9 October 1998, p. 8.

³ <http://www.internetworldstats.com/stats.htm>, accessed December 2010.

⁴ Cyber Public Diplomacy

⁵ Vladimir Lenin

⁶ Julian Anthony Stuart Hale, *Radio Power: Propaganda and International Broadcasting*, Philadelphia, Pennsylvania: Temple University Press, 1975, p. 16.

⁷ British Broadcasting Corporation (BBC)

⁸ George Creel

رسانی عمومی^۱ را به منظور تشویق حمایت داخلی و بین‌المللی از تلاش‌های آمریکا در جنگ راه اندازی کند. اما اولین اقدامات ایالات متحده در پخش بین‌المللی را در جنگ جهانی دوم می‌توان دید. صدای آمریکا پخش برنامه‌های خود را در سال ۱۹۴۲ با پخش برنامه‌های رادیویی برای مردم آلمان آغاز کرد. راه اندازی پخش بین‌المللی صدای آمریکا را اولین اقدامات عملی در راستای دیپلماسی عمومی سایبر این کشور باید در نظر گرفت. پس از آن طی ۷ دهه، سازمان‌ها و سرویس‌های پخش ایالات متحده در راستای سیاست خارجی این کشور و همراه با تکنولوژی‌های ارتباطی گسترش پیدا کردند. اکنون اقدامات ایالات متحده در چارچوب دیپلماسی عمومی سایبر، در قالب رادیو، تلویزیون و اینترنت صورت می‌گیرد و ۶۰ زبان دنیا و ۱۰۰ کشور را پوشش می‌دهد.

این پژوهش به دنبال بررسی و تبیین معنی و مفهوم، جایگاه و سازوکار دیپلماسی عمومی سایبر در سیاست خارجی ایالات متحده است. در این رابطه سؤال اصلی بدین صورت مطرح می‌شود که، «دیپلماسی عمومی سایبر چه جایگاهی در سیاست خارجی ایالات متحده طی نیم قرن اخیر داشته است؟» به منظور یافتن پاسخ سؤال اصلی پژوهش یک فرضیه اصلی مطرح می‌شود: «دیپلماسی عمومی سایبر در پی اثر بخشی ممتاز طی دوران جنگ سرد، به دستور کار کلیدی سیاست خارجی ایالات متحده تبدیل شد.» از آنجا که دیپلماسی عمومی سایبر بخشی از «دیپلماسی عمومی» است، ویژگی‌های مربوط به آن را باید در بافت دیپلماسی عمومی بررسی کرد. مسیر بررسی دیپلماسی عمومی سایبر و جایگاه و سازوکار آن در سیاست خارجی ایالات متحده، الزاما ما را به سمت بررسی «دیپلماسی عمومی» و جایگاه و سازوکار آن در سیاست خارجی این کشور سوق می‌دهد. بنابراین همزمان با بررسی زوایای مختلف دیپلماسی عمومی سایبر ایالات متحده، دیپلماسی عمومی این کشور نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. بدون شک این رویکرد باعث درک بهتر معنای دیپلماسی عمومی سایبر شده و زوایای مربوط به جایگاه و سازوکار آن را روشن‌تر می‌سازد. بدین منظور فرضیه‌ای مکمل نیز در نظر گرفته می‌شود، بدین صورت که، «اقبال اندک دستگاه سیاست خارجی ایالات متحده به دیپلماسی عمومی در دهه ۱۹۹۰، سبب آسیب‌پذیری استراتژیک این کشور گردید، در نتیجه بار دیگر دیپلماسی عمومی به محور اصلی سیاست خارجی آمریکا در دهه اول قرن ۲۱ بازگشت.»

بحث دیپلماسی عمومی سایبر بحثی جدید در روابط بین‌الملل و سیاست جهانی است. به عبارت دیگر باید آن را در حیطه روابط نوین بین‌الملل در نظر گرفت. پیوند میان دیپلماسی عمومی و انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی و استفاده از ابزارهای جدید بوجود آمده در اثر این انقلاب، دیپلماسی عمومی را به سوی دیپلماسی عمومی سایبر رهنمون ساخت. تا آنجا که انقلاب اطلاعاتی پیش می‌رود و همچنان زوایای جدید از آن نمایان می‌شود، دیپلماسی عمومی سایبر نیز همچنان تازگی و نو بودن خود را حفظ خواهد کرد. بنابراین یکی از جدیدترین و به‌روزترین بحث‌های موجود در روابط بین‌الملل، بحث دیپلماسی عمومی سایبر است.

¹ Committee for Public Information (CPI)

در میان کشورهای جهان، کشوری که بیش از بقیه به استفاده از فضای جدید اطلاعاتی در راستای سیاست خارجی و دیپلماسی عمومی خود توجه داشته، ایالات متحده است. قوانین موجود در امریکا در این زمینه، تشکیلات و سازوکار سازمانی در نظر گرفته شده برای دیپلماسی عمومی و دیپلماسی عمومی سایبر، میزان بودجه سالانه تعیین شده، اهداف و استراتژی‌های تدوین شده برای دیپلماسی عمومی سایبر و سیر تاریخی استفاده هدفمند از آن بنا به بافت سیاست جهانی، اثباتی بر این مدعا است. از این رو بررسی دیپلماسی عمومی سایبر در سیاست خارجی «ایالات متحده» به عنوان موضوع این پژوهش در نظر گرفته شد تا زوایای مختلف آن برای ما روشن تر شود.

با توجه به نو بودن بحث دیپلماسی عمومی سایبر، در این زمینه پژوهش جامعی در کشور انجام نشده است. به خصوص مطالعه این حوزه از دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی ایالات متحده مورد توجه قرار نگرفته است. ادبیات دست اول موضوع به زبان فارسی بسیار ضعیف است. حتی در زمینه دیپلماسی عمومی نیز منابع تالیفی به زبان فارسی بسیار محدود است. از این رو تصمیم گرفته شد در پژوهش حاضر تنها از منابع دست اول به زبان انگلیسی استفاده شود. در میان منابع از اسناد و گزارش‌های منتشر شده توسط سازمان‌های مرتبط با دیپلماسی عمومی و دیپلماسی عمومی سایبر ایالات متحده نیز استفاده شده است. پژوهش انجام شده را می‌توان نقطه آغازین ورود به بحث دیپلماسی عمومی سایبر در جامعه علمی کشور دانست.

در این زمینه، در ادبیات موجود در حوزه روابط بین‌الملل در کشور می‌توان به کتاب «کتاب امریکا: ویژه دیپلماسی عمومی در امریکا» اشاره کرد. کتاب امریکا: ویژه دیپلماسی عمومی در امریکا که توسط رضا دادرویش گردآوری شده و در موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر به چاپ رسیده، بیشتر به حوزه کلی دیپلماسی عمومی ایالات متحده می‌پردازد. این کتاب به دیپلماسی عمومی از منظر فرهنگ و ارتباطات، جایگاه آن در استراتژی امنیت ملی امریکا و دیپلماسی عمومی امریکا در برابر جهان اسلام و جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. در این کتاب به دیپلماسی عمومی و ارتباطات استراتژیک به عنوان بخش مهمی از دکترین امنیت ملی ایالات متحده پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ اشاره شده و آمده است، تصویر ذهنی نادرست مخاطبان از سیاست‌ها و رفتارهای امریکا منشا سوء تفاهم و ستیزه‌جویی آن‌ها است. بر این اساس دیپلماسی عمومی به عنوان یک اسلحه نرم افزاری، نقشی اساسی در شکست کمونیسم و فروپاشی شوروی ایفا نموده و اینک به عنوان ضلع سوم استراتژی سه‌گانه امریکا در تهاجم علیه تروریسم ظاهر شده و جهان اسلام و خاورمیانه را مورد هدف قرار داده است. «قدرت سایبر» کتابی است که در حوزه علوم ارتباطات قرار می‌گیرد و مجموعه‌ای است از مقالات اساتید علوم ارتباطات کشور در زمینه تکنولوژی‌های ارتباطی جدید با تمرکز بر رسانه‌ها. البته عنوان این کتاب که زیر نظر رضا صالحی امیری در پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام تهیه شده، به هیچ وجه مناسب مباحث آورده شده در کتاب انتخاب نشده است چرا که بر خلاف آنچه به ذهن متبادر می‌شود، در این کتاب مولفه‌های قدرت و ارتباط متقابل آن‌ها با فضای جدید سایبر مورد بررسی قرار نگرفته است. این کتاب به مباحثی چون جایگاه دولت الکترونیک ایران در جهان، گفتمان

سازی واقعیت در رسانه ها، جنگ رسانه ای آمریکا در برنامه هسته ای ایران و اصول جنگ روانی در طراحی سناریوهای خبری پرداخته شده است. همچنین در کتاب مذکور، رها خرازی بحث ارتباط بین دیپلماسی و فضای اطلاعاتی جدید را بررسی کرده است اما در عین حال به جزئیات سازوکار و ساختارهای موجود دیپلماسی عمومی و دیپلماسی عمومی سایبر در سیاست خارجی ایالات متحده پرداخته است.

در مورد مقالات مرتبط با بحث دیپلماسی عمومی سایبر می توان به مقاله «نقش تلویزیون جهانی در دیپلماسی رسانه ای و سیاست خارجی» به قلم داوود دعاگویان اشاره کرد که در فصلنامه عملیات روانی به چاپ رسیده است. مولف در این مقاله به تاثیر تلویزیون جهانی در حل و فصل مسائل سیاسی و بهره گیری ابزاری از آن در هدایت افکار عمومی و اعمال فشار بر مسئولان سیاست خارجی پرداخته است. در واقع این مقاله با اشاره به نظریه تاثیر سی ان ان و مفهوم دیپلماسی به تاثیرگذاری تلویزیون در سیاست خارجی کشورها می پردازد. مقاله دیگری نیز تحت عنوان «دیپلماسی نوین در روابط خارجی؛ رویکردها و ابزارهای متغیر» به قلم رضا سیمبر و ارسلان قربانی نوشته شده که در فصلنامه بین المللی روابط خارجی به چاپ رسیده است. نویسندگان این مقاله به بررسی تغییرات ایجاد شده در حوزه دیپلماسی و ارتباط این تغییرات با تغییر و تحولات ایجاد شده در ساختارهای جهانی می پردازند. در این مقاله همچنین به تاثیر فناوری های اطلاعاتی و ظهور بازیگران جدید در حوزه دیپلماسی اشاره می شود.

پژوهش حاضر به دنبال بررسی مولفه ها، جایگاه و سازوکار دیپلماسی عمومی و دیپلماسی عمومی سایبر در سیاست خارجی ایالات متحده است که در نه تنها در ادبیات موجود در این حوزه ها، بلکه در ادبیات «نزدیک» به این حوزه ها در کشور مورد بررسی قرار نگرفته اند.

در مطالعه پیش روی، سه محور اصلی دنبال شده است: بررسی معانی و مفاهیم، بررسی جایگاه و بررسی سازوکار. در فصل اول، معنی و مفهوم و تعاریف مختلف ارائه شده در رابطه با دیپلماسی، دیپلماسی عمومی و دیپلماسی عمومی سایبر مورد بررسی قرار گرفته است. در این فصل دلایل تغییر از دیپلماسی کلاسیک به دیپلماسی عمومی و سپس رفتن به سمت دیپلماسی عمومی سایبر بررسی شده است. همچنین مفهوم قدرت نرم و ارتباط آن با دیپلماسی عمومی توضیح داده شده و در ادامه نیز ویژگی های انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی و فضای جدید ناشی از آن، تشریح شده است. در این فصل همچنین اصطلاحات مختلفی که طی دو دهه اخیر برای توصیف فضای جدید اطلاعاتی مذکور و ارتباط آن با روابط بین الملل و سیاست جهانی به کار برده شده مورد بررسی قرار گرفته است. پیدایش دیپلماسی عمومی سایبر آخرین بحث مطرح شده در فصل اول پژوهش است.

فصل دوم تحت عنوان جایگاه دیپلماسی عمومی و دیپلماسی عمومی سایبر در سیاست خارجی ایالات متحده، نگاهی دارد به سیر تاریخی استفاده از دیپلماسی عمومی و دیپلماسی عمومی سایبر در سیاست خارجی این کشور. با توجه به نقطه آغازین کاربست دیپلماسی عمومی و سپس دیپلماسی عمومی سایبر در سیاست خارجی آمریکا سه تقسیم بندی در نظر گرفته شده است: جنگ جهانی اول و دوم، پایان جنگ جهانی دوم تا پایان جنگ سرد و پایان جنگ سرد تا به امروز.

استفاده از دیپلماسی عمومی و دیپلماسی عمومی سایبر در سیاست خارجی امریکا و موفقیت و عدم موفقیت آن در برهه های مختلف تاریخی و میزان اهمیتی که طی دوره های مختلف به آن ها داده شده است از دید این پژوهش اهمیت دارد. در دوره ای از سیاست خارجی امریکا که به دیپلماسی عمومی و دیپلماسی عمومی سایبر اهمیت بسیار داده شده، این کشور به اهداف استراتژیک خود دست یافته است (پیروزی در جنگ سرد و فروپاشی شوروی). در دوره ای که دیپلماسی عمومی و دیپلماسی عمومی سایبر به حاشیه رانده شده، امریکا متحمل آسیب استراتژیک شده است (سال های بعد از جنگ سرد منتهی به حوادث ۱۱ سپتامبر).

فصل سوم تحت عنوان سازوکار دیپلماسی عمومی و دیپلماسی عمومی سایبر در سیاست خارجی ایالات متحده آورده شده است. در واقع این بخش جایگاه نهادی دیپلماسی عمومی و دیپلماسی عمومی سایبر را در سیاست خارجی این کشور بررسی می کند. وظایف، عملکرد، ساختار سازمانی و بودجه پنج سازمان درگیر در این دو حوزه در امریکا تشریح شده است: وزارت امور خارجه، هیئت رئیسه پخش، وزارت دفاع (پنتاگون)، آژانس توسعه ایالات متحده و کاخ سفید. در میان این پنج سازمان، وزارت امور خارجه و هیئت رئیسه پخش، نقش اصلی را برعهده دارند، بنابراین توجه بیشتری به آن ها شده است. سازوکار آژانس اطلاع رسانی ایالات متحده در ابتدای این فصل مورد بررسی قرار گرفته، چه این سازمان طی عمر ۴۶ ساله خود در دوره جنگ سرد وظیفه هدایت دیپلماسی عمومی و دیپلماسی عمومی سایبر امریکا را بر عهده داشت که در سال ۱۹۹۹ منحل اعلام شد. در فصل سوم قوانین ایالات متحده نیز مورد کنکاش قرار گرفته و قوانین اصلی موجود که پایه فعالیت های دیپلماسی عمومی سایبر امریکا را تشکیل می دهند، معرفی شده است. در فصل چهارم تحت عنوان نتیجه گیری، بر اساس پژوهش انجام شده و نکات بدست آمده از آن، دلایل اقبال به دیپلماسی عمومی سایبر در سیاست خارجی ایالات متحده از سوی نگارنده مطرح و تشریح شده است. همچنین فرضیه اصلی و فرضیه مکمل پژوهش بسط داده شده و نتیجه حاصل عنوان شده است.

فصل اول:

**مفاهيم ديپلماسي، ديپلماسي عمومي و
ديپلماسي عمومي ساير**

فصل اول

مفاهیم دیپلماسی، دیپلماسی عمومی و دیپلماسی عمومی سایبر

(۱) دیپلماسی سنتی (کلاسیک)

دیپلماسی معمولاً به عنوان هنر برقراری رابطه بین کشورها تعریف می شود که از تعریف کلاسیک سر هارولد نیکولسون گرفته شده است: «مدیریت روابط بین الملل بوسیله مذاکره»^۱ خود کلمه دیپلماسی از ریشه کلمه یونانی *diploun* گرفته شده که به معنای «تا کردن» است. در زمان امپراتوری رم تمامی پاسپورت ها - مجوز تردد در راه های امپراتوری - بر روی صفحه های فلز ای دو تکه نقش بسته می شد که به شیوه ای خاص تا می شدند و روی هم قرار می گرفتند. این مجوزهای تردد *diplomas* نام داشتند. دامنه استفاده از کلمه *diploma* بعدها گسترده تر شد و دیگر اسناد رسمی، خصوصاً اسنادی که تنظیم کننده مناسبات بین کشورها بودند، را نیز در بر می گرفت. با افزایش تعداد معاهده نامه ها و اسناد، تعیین افراد متخصص برای نظم دادن و نگهداری از آن ها ضروری به نظر رسید.^۲ در اواخر قرن هجدهم معنای *res diplomatic* - به معنای امور دیپلماتیک - از مدیریت و سر و سامان دادن آرشیو اسناد به مدیریت روابط بین الملل تبدیل شد.^۳ به اعتقاد هانس جی مورگنتا، دیپلماسی وظیفه ای چهارگانه دارد:

دیپلماسی در گسترده ترین معنای آن، شامل تمام گستره سیاست خارجی، دارای وظیفه ای چهارگانه است: ۱- دیپلماسی باید اهداف خود را در راستای قدرت بالفعل و بالقوه موجود برای پیگیری آن اهداف تعریف کند. ۲- دیپلماسی باید اهداف کشورهای دیگر و قدرت بالفعل و بالقوه آن ها برای پیگیری آن اهداف را ارزیابی کند. ۳- دیپلماسی باید مشخص کند که این اهداف متفاوت تا چه حد با هم سازگاری دارند. ۴- دیپلماسی باید ابزارهای متناسب با پیگیری این اهداف را در اختیار بگیرد. کوتاهی در هر یک از این وظایف، می تواند موفقیت سیاست خارجی، و در نتیجه صلح جهانی را به خطر بیندازد.^۵

به عبارت دیگر، مورگنتا بر این اعتقاد بود که برای تصمیم گیری در زمینه سیاست خارجی، دولت ها باید اهداف خود و اهداف دیگر دولت ها را ارزیابی کنند، به علاوه باید میزان سازگاری این اهداف با یکدیگر و ابزارهای مورد نیاز برای پیگیری این اهداف را مشخص کنند.

¹ Sir Harold Nicolson, *Diplomacy*, Washington D.C.: Institute for the Study of Diplomacy, Georgetown University School of Foreign Service, 1988, p. 4.

² Ibid., p. 11.

³ Joel Krieger, ed., *The Oxford Companion to Politics of the World*, New York: Oxford University Press, 2001, p. 222

⁴ Hans J. Morgenthau

⁵ Hans J. Morgenthau, *Politics Among Nations: The Struggle for Power and Peace*, (brief edition.) Boston, Mass.: McGraw-Hill Co., 1993, pp. 361-362.

⁶ Government (در این نوشتار کلمه دولت مترادف با کلمه government گرفته شده است).

مورگنتا در رابطه با ابزارهایی که حکومت‌ها می‌توانند در راستای پیگیری اهداف خود استفاده کنند، به سه مورد اشاره می‌کند: ترغیب^۱، سازش^۲ و تهدید زور^۳. با این وجود، همان‌طور که مورگنتا اشاره می‌کند، دیپلماسی زمانی که تنها به یکی از این ابزارها اکتفا کند، دیپلماسی موفقی نخواهد بود. دیپلماسی که بر اساس تهدید زور بنا شده باشد را نمی‌توان دیپلماسی صلح طلب دانست. به علاوه، زمانی که دیپلماسی همه چیز را از طریق ترغیب و سازش دنبال کند، نمی‌توان آن را یک دیپلماسی هوشمندانه دانست. نماینده دیپلماتیک یک قدرت بزرگ، برای این‌که بتواند منافع کشور خود و منافع صلح را دنبال کند، باید همزمان ترغیب‌کننده بوده، آماده سازش باشد و قدرت خارجی را بوسیله توانایی نظامی کشور خود تحت تاثیر قرار دهد. هنر دیپلماسی استفاده از ابزار مناسب در لحظه مناسب است.^۴

در مورد فعالیت دیپلماتیک، چهار رویکرد می‌توان برشمرد: دولت با دولت، دیپلمات با دیپلمات، مردم با مردم و دولت با مردم.^۵ اولین مورد، دولت با دولت، به دیپلماسی سنتی اشاره دارد که همان تبادل پیام‌های رسمی بین دولت‌ها توسط نمایندگان رسمی آن‌ها است. مورد دوم که دیپلماسی فردی نیز نامیده می‌شود، به تعاملات مربوط به سطوح فردی بین افرادی که مسئولیت برقراری روابط دیپلماتیک را بر عهده دارند، اشاره دارد.^۶

نوع سوم، همان دیپلماسی عمومی است و به «آن دسته از برنامه‌های مورد حمایت دولت‌ها اشاره دارد که با هدف آگاهی بخشی و تاثیر بر افکار عمومی کشورهای دیگر دنبال می‌شوند»^۷ این نوع دیپلماسی معمولاً با مبادلات فرهنگی و آموزشی همراه است که همگی «به منظور تشریح سیاست‌های یک کشور و دفاع از این سیاست‌ها و شناساندن یک ملت به مخاطب خارجی می‌شوند»^۸ ارتباط حکومت با مردم نیز نوع دیگری از دیپلماسی عمومی است. این نوع دیپلماسی از سوی دولت یک کشور برای تاثیر بر افکار عمومی و افکار نخبگان در کشوری دیگر به منظور تغییر سیاست خارجی آن کشور به نفع خود دنبال می‌شود.^۹

به صورت کلی، دیپلماسی توسط نمایندگان دیپلماتیک که از سوی حکومت‌های متبوع خود به پایتخت کشورهای خارجی فرستاده می‌شوند و همچنین مقامات رسمی کشور میزبان انجام می‌شود. دفتری که مسئولیت نظارت بر امور خارجی را بر عهده دارد را می‌توان به نوعی «مغز» اقدامات انجام شده دانست. این همان جایی است که اثرات ساطع شده از دنیای خارج جمع‌آوری و ارزیابی می‌شوند، سیاست خارجی طرح‌ریزی می‌شود و مسیرها نشان داده می‌شوند و سپس این

¹ Persuasion

² Compromise

³ Threat of force

⁴ Ibid., p. 363.

⁵ Jarol Manheim, *Strategic Public Diplomacy and American Foreign Policy: The Evolution of Influence*, New York: Oxford University Press, 1994, p. 3.

⁶ Ibid., p. 4.

⁷ "What is Public Diplomacy?"; the Public Diplomacy Foundation and the U.S. Information Agency Alumni Association, <http://www.publicdiplomacy.org/1.htm>, Accessed December 2010.

⁸ Op. cit., *Strategic Public Diplomacy and American Foreign Policy: The Evolution of Influence*, p.4.

⁹ Ibid.

نمایندگان دیپلماتیک هستند که آن‌ها را به سیاست‌های واقعی تبدیل می‌کنند. در حالی که دفتر مسئول امور خارجه مغز سیاست خارجی است، نمایندگان دیپلماتیک، چشم، گوش، دهان و دست‌ان این دفتر هستند.^۱

دیپلمات به همراه اداره امور خارجه، سیاست خارجی کشور متبوع خود را شکل می‌دهد. اداره امور خارجه مرکز عصبی سیاست خارجی است و نمایندگان دیپلماتیک، نقش رشته‌های عصبی را بازی می‌کنند که اتصال دهنده دوجانبه مرکز و جهان خارج هستند. دیپلمات‌ها باید اهداف کشورهای دیگر و قدرت بالقوه و بالفعل آن‌ها در پیگیری آن اهداف را ارزیابی کنند. بدین منظور، آن‌ها باید از طریق تعامل مستقیم با مقام‌های مسئول و رهبران سیاسی کشور مورد نظر و بررسی مطبوعات و افکار عمومی آن، برنامه‌های دولت خارجی را بدست آورند. آن‌ها همچنین باید عوامل تاثیرگذار بر سیاست‌های دولت را که ممکن است از سوی احزاب سیاسی و مردم اعمال شوند، شناسایی کنند. دیپلمات باید سعی کند تاثیری که یک روزنامه‌نگار ممکن است بر سیاست‌های رسمی کشور و افکار عمومی داشته باشد، را شناسایی کند. موفقیت یا شکست سیاست خارجی کشور متبوع وی به قابل اعتماد بودن و صحت قضاوت‌های او بستگی دارد.^۲

جمع‌آوری و ارزیابی اطلاعات در حیطه دیپلماسی مدرن قرار می‌گیرد. نمایندگان دیپلماتیک نه تنها به عنوان چشم و گوش مرکز عصبی وقایع جهان خارج را جهت تصمیم‌گیری به این مرکز منتقل می‌کنند، بلکه آن‌ها دهان و دستانی هستند که این مرکز از طریق آن‌ها، خواست خود را به دولت‌های خارجی و مردم آن‌ها منتقل می‌کند. اداره امور خارجه می‌تواند به نماینده خود در مورد اهداف مورد نظر دستور العمل‌هایی بدهد، اما در مورد اعمال این دستور العمل‌ها باید به قضاوت و توانایی نماینده خود اعتماد کند. این‌که یک بحث‌چقدر می‌تواند، متقاعدکننده و ترغیب‌کننده باشد، یا اینکه یک توافقنامه چه نتایجی می‌تواند به دنبال داشته باشد، این‌که یک تهدید چه تاثیراتی می‌تواند به همراه داشته باشد و هر کدام از این تکنیک‌ها چقدر می‌توانند مؤثر واقع شوند بستگی به دیپلمات دارد که طرح‌ریزی یک سیاست خارجی خوب در دست اوست.^۳

دیپلماسی مدرن امروز متفاوت از دیپلماسی کلاسیک تعریف شده توسط نیکولسون است. تعریف دیپلمات به عنوان نماینده یک حاکم در برابر حاکمی دیگر، اکنون رنگ باخته است.^۴ دیپلمات امروز نه تنها نماینده دولت کشور خود است، بلکه نماینده مردم کشور، ایده‌آل‌ها و دیدگاه‌های آن‌ها نیز می‌باشد.

۲) دیپلماسی عمومی

¹ Op. cit., *Politics Among Nations: The Struggle for Power and Peace*, pp. 363-364.

² Ibid., pp. 365-366.

³ Ibid., pp. 366-367.

⁴ Philip C. Habib, "Concluding Remarks" in *Public Diplomacy: USA versus USSR*, ed. Richard F. Staar, Stanford, Calif.: Hoover Institution Press, Stanford University, 1986, p. 283.